



سنتی که پیامبر(ص) پیش از بعثت از آن تبعیت می‌کرد/ دلالت تعبیر «عَلَى فِتْرَةِ مَنْ الرُّسُلُ»

مدیر گروه تاریخ اسلام جامعه‌المصطفی(ص) العالمیه با اشاره به خداپرستان معروف به حنفاء پیش از بعثت رسول‌الله(ص)، به تشریح منابع سنت‌ها و آئین این افراد، از جمله پیامبر اسلام(ص) پیش از مبعوث شدن به رسالت پرداخت.

مدیر گروه تاریخ اسلام جامعه‌المصطفی(ص) العالمیه با اشاره به خداپرستان معروف به حنفاء پیش از بعثت رسول‌الله(ص)، به تشریح منابع سنت‌ها و آئین این افراد، از جمله پیامبر اسلام(ص) پیش از مبعوث شدن به رسالت پرداخت.

نعمت‌الله صفری فروشانی، مدیر گروه تاریخ اسلام جامعه‌المصطفی(ص) العالمیه در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان نکاتی در خصوص دین و سنت مورد اتباع پیامبر(ص) پیش از مبعوث شدن به رسالت پرداخت.

آیا پس از عیسی(ع) و پیش از رسول‌الله(ص)، زمین از حجت خالی بوده است؟ صفری فروشانی در ابتدا با توجه به این باور که هیچ زمانی نباید زمین از حجت خالی باشد، در مورد این‌که چگونه از زمان حضرت عیسی(ع) تا زمان مبعوث شدن پیامبر گرامی اسلام(ص) به رسالت، هیچ پیغمبری نداشته‌ایم، گفت: پاسخ به این سؤال و خود این سؤال یک بحث کلامی است. شیخ صدوق نیز این مسئله را مطرح کرده و پاسخ داده و دیگران هم آن را نقل کرده‌اند و ریشه آن هم آیه‌ای از قرآن است که مضمون آن این است که ما پیامبر(ع) را فرستادیم «...عَلَى فِتْرَةِ مَنْ الرُّسُلُ؛ در دوران فترت رسولان»؛ یعنی ما پیامبر(ص) را در زمان نبود یا کمرنگی رسل فرستادیم و وقتی پیامبر(ص) را فرستادیم که رسل نبودند.

نارسایی و اشکال تلقی شیخ صدوق از تعبیر «عَلَى فِتْرَةِ مَنْ الرُّسُلُ» وی با بیان این‌که بعضی‌ها خواسته‌اند از این تعبیر استنباط کنند که حجتی نبوده است، گفت: شیخ صدوق به بیان این اشکال می‌پردازد و تاریخ‌هایی هم درست می‌شود که هر زمان وصی و حجت چه کسی بوده است و بین پیامبر(ص) و حضرت عیسی(ع) هم حجت‌هایی را درست می‌کند. صفری فروشانی با بیان این‌که این‌گونه حل این مسئله مشکل‌هایی را به همراه دارد، خاطرنشان کرد: ما باید این مسئله را از جهت کلامی به نحوی قوی‌تر مطرح کنیم و قوی‌تر آن را پایه بگذاریم تا بتوانیم از نظر تاریخی نیز مطلب درستی بیان کنیم. باید بدانیم که نمی‌توان به هیچ وجه از نظر تاریخی این مطلب را درست کرد که شما شخصیت‌های تاریخی نشان بدهید که در آن زمان و به عنوان وصی وجود داشته‌اند. بنابراین خود مسئله «فترت رسل» به تعبیر و تلقی‌ای که از آن شده است جای بازنگری دارد.

دین پیامبر(ص) پیش از مبعوث شدن به رسالت مدیرمسئول پایگاه اطلاع‌رسانی «سخن تاریخ» در ادامه در مورد دین پیامبر(ص) پیش از مبعوث شدن به رسالت نیز با اشاره به نوشته شدن چندین مقاله در این رابطه و در رابطه با دین آباء پیامبر(ص) که در همان دوره فترت می‌زیسته‌اند، گفت: مسلم این است که این گزاره کلی که تمام مکه بت‌پرست بوده‌اند و مکه مملو از بت‌پرستی بوده است، گزاره درستی نیست. ما در همین زمان افراد متعددی را داریم که بعضی‌ها خداپرست بوده‌اند و بعضی‌ها از برخی کارهای ناپسند و نادرست مانند زنا و شراب‌خواری و ... خودداری می‌کرده‌اند و حتی بعضی‌ها به جایی رسیده بودند که متوهم شده و پیش خودشان تصور می‌کردند که پیغمبر خواهند شد که بعد از این‌که دیدند که پیامبر(ص) ادعای پیامبری کرد، با او از در مخالفت درآمدند. وی با اشاره به این‌که خداپرستان پیش از مبعوث شدن رسول گرامی اسلام(ص) در مکه معروف به حنفاء بوده‌اند، بیان کرد: حنفاء یعنی کسانی که از راه راست منحرف نشدند. گفته‌اند که آباء پیامبر(ص) نیز از این دسته یعنی از حنفاء بوده‌اند. گرچه حنفاء در مکه جمعیت قابل ملاحظه‌ای نداشتند، اما از نظر تأثیرگذاری و اهمیت و جایگاه توجه زیادی به آن‌ها می‌شد و حتی بعضی از اشعارشان از افرادی مانند امیه بن ابی‌صلت در دوره‌های بعدی هم نقل شده است.

پیشینه و ویژگی‌های آموزه‌ها و افکار حنفاء وی در مورد پیشینه و ویژگی‌های آموزه‌ها و افکار حنفاء، بیان کرد: این آموزه‌ها باقی‌مانده سنت‌های ابراهیمی بوده که گرچه به صورت‌های کم‌رنگ، اما به وسیله نسل‌های متعدد منتقل می‌شده و بعضی از سنت‌های ابراهیمی در خود مکه باقی مانده بود و خود حضرت ابراهیم(ع) مطرح بوده است. مطلب مهم دیگر این است که ممکن بوده است که بعضی از این حنفاء با افرادی از ادیان دیگر در طی مسافرت‌های خود به شام یا جاهای دیگر آشنا شده باشند و با مسیحیت و یهودیت آشنایی‌هایی پیدا کرده باشند و به هر حال ببینند که خدای آن‌ها بهتر از بت‌هایی است که در مکه پرستش می‌شود.

فطرت و عنایت خاص الهی؛ تبیین‌گر رفتار آئین‌مند پیامبر(ص) پیش از نبوت صفری فروشانی در مورد نکته سوم در این رابطه، با تأکید بر اهمیت این مورد و با اشاره به این‌که می‌توان آن را درباره پیامبر(ص) جاری کرد، گفت: یکی از منابع سنت‌ها و آئین حنفاء که به عنوان منبع آئین پیامبر(ص) پیش از بعثتش هم می‌تواند مطرح شود، فطرت است. اگر فطرت پاک باشد، به خداپرستی مایل می‌شود و طبیعتاً از بدی و پستی و اموری که مخالف فطرت است، دوری می‌جوید و درباره پیامبر(ص) این مطلب بسیار صادق است و خود پیامبر(ص) با فطرت پاکش درک می‌کند که این بت‌ها قابل پرستش نیستند.

دانشیار جامعة المصطفی(ص) العالمیه درباره نکته دیگری که در مورد پیامبر(ص) می‌تواند مطرح و مؤید به روایت‌های شیعه و سنی باشد، اظهار کرد: مورد دیگر عنایت خاص الهی است و این که خداوند از راه‌های مختلف پیامبر خود را رهنمون می‌کرده است. حتی ما مواردی را داریم که پیامبر(ص) در کودکی ممکن بوده است که به ظاهر کار نادرستی انجام بدهد، اما از طرف خداوند به گونه‌ای از این کار جلوگیری می‌شده است. مانند آن داستانی که در مورد حمل سنگ در پیراهن داریم که ممکن بوده است موجب کشف عورت بشود و پیامبر(ص) می‌فرماید دستی می‌آمد و همیشه دامن مرا پایین می‌زد. یا این که پیامبر(ص) در مجلسی که به واسطه خویشان رفته بود و مجلس مناسبی نبود، حضرت می‌فرماید که من از شب تا صبح در آن مجلس خواب بودم. این‌ها راه‌هایی است که ما می‌توانیم شبهه‌هایی را که راجع به ایمان پیامبر(ص) وجود دارد، برطرف کنیم. وی در مورد آئین‌هایی که پیامبر(ص) به آن‌ها عمل می‌کرده است و از جمله اعتکافی که در کوه حرا داشته است و این‌که آیا چنین مناسکی در آن زمان و آن منطقه متداول بوده است، عنوان کرد: اعتکاف حضرت و خداجویی و دوری از زمانه ممکن است در اثر همین تأییدات و در اثر همان فطرت پاک باشد.

صفری فروشانی ادامه داد: ما تعبیری با عنوان «تحنث» داریم که به همین معنای گوشه‌نشینی و عبادت و توجه به خداوند است. این یک امر شناخته شده‌ای در مکه بوده است و برای افراد دیگری هم ظاهراً نقل شده است. بنابراین سابقه داشته و می‌توانسته به گونه‌ای باشد که جای تعجب نداشته باشد.

وی با اشاره به مدعیات برخی از مستشرقان در مورد همراهی پیامبر(ص) با قوم خود در توجه به آیین‌های شرک‌آمیز آن‌ها، عنوان کرد: مستشرقان به تبع گزارش‌هایی که عمدتاً در منابع ما نیست و در منابع اهل سنت است، می‌خواهند به نوعی اثبات کنند که پیامبر(ص) در مواقعی با قوم خود همراه بوده است که خب این درست نیست. دلیل این نادرستی آن است که اولاً آن چیزهایی که می‌آورند، اولاً بسیار ضعیف است و ثانیاً با مبانی‌ای که ما داریم و این مبانی در جای خودش به صورت مطلق و محکم و مستحکم ثابت شده است، این‌ها نمی‌تواند قابل قبول باشد.